پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پایان نامه کارشناسی ارشد

موضوع :

کویش همدانی

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر محمد دبیرمقدم

استاد مشاور :

جناب آقای دکتر یحیی مدرسی

نگارش :

مرتضی علیرضایی

سال تحصیلی ۷۴ - ۱۳۷۳

به نام خـــــدا

شکر و سپاس خداوند منان را که با بهره گیری از راهنماییهای خردمندانه و دلسوزانه اساتید بزرگوار جناب آقای دکتر دبیر مقدم، جناب آقـــــای دکتر مدرســـی و جناب آقای دکتـــر عاصی مدیر محترم گروه زبان شناســـی پژوهشکده توفیق انجام این تحقیق را به من اعطاء فرمود.

لـــذا همیشه قدردان و سپاسگزار آنها خواهم بـــود.

فهرست مطالب

- پیشگفتار
۱ـ اهمیت مطالعه و گردآوری گویش ها ۳
۲ـ نشانه‌های آوانویسی ۵
فصل نخست : مقدمات
۱ـ معرفی گویش همدانی ۷
۱ـ۲ اوضاع جغرافیایی و تاریخی همدان ۱۰
۱ـ۳ روش گردآوری و تحلیل مواد ۱۲
فصل دوم : دستگاه آوایی
۲ـ۱ توصیف صامتها ۱۳
۲ـ۲ـ توصیف مصوتها ۲۱
۲ـ۳ـ ساختمان هجایی ۲۵
۲ـ۴ـ فرایندهای آوایی ۲۵
۲ـ۴ـ۱ـ ابدال(همگون سازی) ۲۵
(۱) ابدال مصوت(هماهنگی‌واکه‌ای) ۲۶
(۲) ابدال صامت (همگونی و ناهمگونی) ۲۹
۲ـ۴ـ۲ـ اضافه
(۱) اضافه مصوت ۳۶
(۲) اضافه مصوت میانجی ۳۶
(۳) اضافه صامت ۳۷
(۴) اضافه صامت میانجی ۳۷
۲ـ۴ـ۳ـ قلب ۳۹
۲ـ۴ـ۴ـ حذف
(۱) حذف مصوت ۴۰
(۲) حذف صامت ۴۱
فصل سوم :دستگاه فعل
۳ـ۱ـ فعل ۴۴
۳ـ۱ـ۱ـ ستاک ۴۴
۳ـ۱ـ۲ـ وندهای وجه ۴۵
۳ـ۱ـ۳ـ وند منفی ۴۸
۳ـ۱ـ۴ـ شناسه‌های فعلی ۴۹
۳ـ۱ـ۵ـ افعال پی بستی ۵۳
۳ـ۱ـ۶ـ افعال کمکی ۵۵
۳ـ۱ـ۷ـ افعال سببی ۵۷
۳ـ۱ـ۸ـ مصدر ۵۸
فصل چهارم ـ صرف
۴ـ۱ـ اسم ۶۱
۴ـ۱ـ۱ـ مفرد و جمع ۶۱
۴ـ۱ـ۲ـ اضافه ۶۲
۴ـ۱ـ۳ـ معرفه و نکره ۶۳
۴ـ۲ـ صفت ۶۵
۴ـ۳ـ قید ۶۶
۴ـ۴ـ تصغیر ۷۰

۴ـ۵ـ حرف ۷۱
۴ـ۵ـ۱ـ حروف اضافه ۷۱
۴ـ۵ـ۲ـ حروف ربط ۷۲
۴ـ۶ـ ضمیر ۷۳
۴ـ۶ـ۱ـ ضمایر اشاره ۷۳
۴ـ۶ـ۲ـ ضمایر شخصی ۷۳
(۱) ضمایر شخصی آزاد ۷۳
(۲) ضمایر شخصی پیوسته ۷۵
۴ـ۶ـ۳ـ ضمایر مشترک ۷۶
۴ـ۶ـ۴ـ ضمایر پرسشی ۷۷
۴ـ۷ـ عدد ۷۸
۴ـ۷ـ۱ـ اعداد اصلی ۷۸
۴ـ۷ـ۲ـ اعداد ترتیبی ۷۸
۴ـ۷ـ۳ـ اعداد کسری ۷۹
۴ـ۷ـ۴ـ عدد و معدود ۷۹
۴ـ۸ـ صوت (تکواژ تأکید) ۸۰
۴ـ۹ـ کلمه از نظر ساخت اشتقاقی ۸۲
۴ـ۹ـ۱ـ کلمات ساده ۸۲
۴ـ۹ـ۲ـ کلمات مشتق ۸۳
۴ـ۹ـ۳ـ کلمات مرکب ۸۶
(۱) کلمات اتباع ۸۸

فصل پنجم : فهرست واژگان
۵ـ۱ـ فهرست افعال ۸۹
۵ـ۲ـ فهرست سایر واژه‌ها ۹۴
۵ـ۳ـ نمونهٔ گفتار همدانی و چند ضرب‌المثل
کتابنامه

- پیشگفتار

I- اهمیت مطالعه و گرداوری گویشها

گویش شناسی یکی از شاخه‌های عملی زبانشناسی است که هدف آن گردآوری گویشها وتوصیف علمی آنها میباشد. با رشد شهرنشینی . مهاجرت ، بالارفتن سطح تحصیلات و گسترش رسانه‌های گروهی، زبانهای محلی تحت تاثیر شدیدزبان رسمی قرار گرفته‌اند و رفته رفته به سوی نابودی می‌روند تا جایی که زبان محلی در نسلهای بعدی صورت اولیه خود را کاملا" از دست داده و برای افراد بومی ناشناخته می‌گردند. از این جهت بررسی سریع ودقیق این گونه زبانها وگویشها حائز اهمیت میباشد.

بررسی وثبت گویشها وزبانهای محلی از دونظر حائز اهمیت است اول اینکه باشناخت ومطالعه واژگان منحصربه فرد این گویشها میتوان بر غنای واژگان زبان فارسی افزود و سپس با تدوین دستورهای مبتنی بر دست آوردهای علم زبانشناسی وفراهم نمودن فرهنگهای معتبرمیتوان در راه تکمیل اطلس جغرافیایی گویشهای سرزمین ایران قدم برداشت.

زبانها و لهجه‌های ایرانی با داشتن گنجینه‌هایی از واژگان ، ضرب المثلها، افسانه‌ها و ساخت وترکیبهای منظم نه تنها میتواند سخنگویان زبان فارسی را درشرایط وموقعیتهای گوناگون زبانی یاری دهند بلکه مواد خام ارزشمندی را برای سایر پژوهشهای زبانی فراهم می‌آورند. از آن گذشته شعرا ونویسندگان بسیاری از این گونه زبانهای محلی و گویشها برای بیان اندیشه‌هایشان استفاده کرده‌اند لذا مطالعه این زبانها وگویشها میتواند زمینه دستیابی به این اندیشه‌های ناب را فراهم ساخته و بدین ترتیب پشتوانه بسیارخوبی برای رشد ادبیات وشعر ملی فراهم آورد.

با علم به این مطلب که هرگویش ولهجه دارای فرایند واژه سازی مختص به خود است ، مطالعه، شناخت وبررسی این فرایندهای واژه سازی به زبان شناسان کمک می‌کند که الگو های کلی تری ازاین فرایندها را توصیف کنند تا بدین ترتیب واژگان زبان فارسی را در مقابل هجوم واژه های بیگانه یاری نمایند.

باشناخت دستور و واژگان گویشها میتوان بسیاری از مشکلات در راه شناخت وبررسی زبانهای قدیمی ایرانی را حل نمود.

باتوجه به آنچه گفته شد گویش همدانی هرچند تحت تاثیر زبان فارسی معیار تغییرات وتحولات بسیاری به خود دیده است بااین وجود هنوز مقدار کمی از ویژگیهای گذشته خویش را بدنبال دارد که همین اندک به نظر میرسد ارزش بررسی گسترده و زبانشناسانه‌ای را دارد. تحقیق حاضر میتواند بعنوان کاری مقدماتی منظور شود و امیداست در آینده تحقیقات وسیع تر وفنی تر دراین زمینه انجام پذیرد.

از آنجائیکه مدت زیادیست درشهر همدان زندگی می‌کنم و علاقه زیادی به‌بررسی گویش همدانی داشتم باشروع تحصیلاتم دررشتهٔ زبانشناسی برآن شدم که کار روی این گویش را شروع کنم لذا درانجام کارهای مقدماتی مربوط به گویش از کلاسهای آواشناسی و واجشناسی جناب آقای دکتر مدرسی استفاده کرده و الگوهای آوایی گویش همدانی را با الگوهای آوایی فارسی معیار مورد مقایسه قرار دادم و دراین راستا از رهنمودهای ایشان استفاده کردم و زمانی که قرار شد بررسی این گویش را به عنوان پایان نامه تحصیلی انجام دهم از راهنمائیهای بی دریغ استاد گرانقدر جناب آقای دکتر دبیرمقدم به عنوان استاد راهنما بهره بردهام.

درپایان لازم میدانم‌ازدوست عزیزم آقای حسن رضایی باغ بیدآبادی دانشجوی دکتری زبانهای باستان دانشگاه تهران که مرا درریشه یابی لغات بامنشاء زبانهای باستانی و زبان پهلوی یاری کردند تشکرکنم.

II. نشانه‌های آوانویسی

الف ـ صامتها

خط فارسی	معنی	مثال	خط آوانگار
پ	سهم	pā	p
ب	بچه شیرخواره	beve	b
ت	چادر	totoq	t
د	ناراحتی	darde	d
ک	سرفه	koxe	k
گ	چاق	gap	g
ق،غ	بی ریخت	qožme	q
ع،ء(همزه)	عصر	?ars	?
ف	مرغ یکساله	firik	f
و	سرگردان	vil	v
س،ص،ث	دل درد	sānju	s
ز،ذ،ظ،ض	آب خودجوش اززمین	zeq	z
ش	شاخه	šāqe	š
ژ	ژله	žele	ž
خ	خواهربزرگ	xāmji	x
ح،ه	استخر	hesil	h
چ	چمپاتمه	čotoli	č
ج	ترسو	jerpu	j
م	بهانه	māne	m
ن	سخت عادت کرده	nājal	n
ل	قسمت	let	l
ر	تخم مرغ مصنوعی	rāme	r
ی	شوهرخواهر	yazne	y

ب ـ مصوت ها

خط فارسی	معنی	مثال	خط آوانگار
ای	این	i:	i
و	آن	u:	u
آ	جن	ā	ā
ـِ	مال	ene	e
ـَ	از	a	a
ـُ	آن	o	o
اُو	استاد	ousā	ou
اَو	آبستن	aus	au
اِو	افسار	əusar	əu

ج ـ سایر نشانه‌ها

کشش مصوت		:
تکیه هجا		ˈ
می‌تواند باشد یا نباشد	(اختیاری)	( )[1]
نشانهٔ آوانویسی		[ ]
نشانهٔ واج نویسی		/ /

۱ـ معادل فارسی معیار و معانی واژه‌ها در پاره‌ای موارد داخل پرانتز داده شده است.

فصل نخست : مقدمات

۱ـ۱ـ معرفی گویش همدانی

از جمله گویشهای قدیمی ایرانی ، گویش همدانی است که مانند شهر همدان سابقه و قدمت طولانی دارد. دردورهٔ قبل از اسلام همدان جزء استان ماد بوده و مدتی نیز پایتخت مادها بوده است. زبان مشترک این ایالت بزرگ را فهلوی نامیده و آثار ادبی آن را فهلویات گفته‌اند. فهلوی اساساً گویش و یژهٔ مردم مغرب و جنوب غربی ایران بوده است. عناصری در طول تاریخ بر گویش و فرهنگ عامیانه همدان تأثیر گذاشته و آن را دستخوش تغییراتی کرده است.

از مهمترین عوامل این تغییر و تحول می توان به موارد زیر اشاره کرد:

ـ حمله و سپس استیلای اعراب برای مدت طولانی سبب گردید که بسیاری از ویژگیهای زبان پهلوی در همدانی رنگ ببازد و جای خود را به ویژگیهای عربی دهد.

تسلط ترکان سلجوقی در قرون ۶ و ۵ سبب شد واژگان ترکی و ویژگی همگونی واکه‌ایی در همدانی جای ویژه‌ایی پیدا کند و از جنبه واژگانی و آوایی همدانی را تحت تأثیر قرار دهد.

اقلیت یهودیان همدان ویژگی خاص در بخش آوایی لهجهٔ خویش داشتند که همدانی را تحت تأثیر قرار داده است. کاربرد واکه e بجای a در موضع آغازی کلمات همچنین در شرایط دیگری که در بخش آوایی توضیح داده خواهد شد از ویژگی عمده لهجهٔ یهودیان همدان می‌باشد که در گویش همدانی دیده می‌شود. وجود کدخدامنشی مستقل ، تعصبات و دشمنیهای مذهبی سبب ایجاد لهجه‌های فرعی در سطح شهر شده است. لهجه‌های فرعی مانند حصاری ، ورمزیاری ، جولانی و .... هر کدام علاوه برداشتن ویژگیهای مشترک فراوان با همدانی دارای واژگان منحصر به خود و ویژگی آوایی زیر زنجیری خاصی می‌باشند که از دیگر لهجه‌ها متمایز می‌شود.[۱]

---

۱ ـ پرویز اذکایی ، مجله هنر ومردم ، " فرهنگ وگویش همدانی " ش ۱۲۶ ص ص ۷۵ـ ۶۰ .

گویش همدانی در حال حاضر بخش کمی از ویژگیهای گذشته را به همراه دارد ولی همین بخش کوچک توجه هر علاقمند به گویش‌شناسی را جلب می‌نماید.

اما از ویژگیهای منحصر به فرد همدانی که توجه این پژوهشگر را به خود جلب کرده است به موارد زیر می‌توان اشاره نمود :

(یک) افعال منحصر به فرد فارسی قدیم که صرفاً در همدانی یافت می‌شود : شَلاندن šellāndan (چرخاندن) ، تلاندن tellāndan (خردو خمیر کردن)

(دو) افعال با اصل قدیمی : مانند هشتن، در پهلوی hištan از ریشهٔ hil به معنای نهادن و قرار دادن . نمیدن از صورت اوستایی nam به معنی خم شدن . در کلمهٔ نماز «نم» از این ریشه است.

(سه) یک‌دسته از افعال بر خلاف صورت پهلوی‌شان واکه e را در ابتدا می‌پذیرند:škastan - پهلوی ← eškastan ـ همدانی

(چهار) افعال نام‌آوا . تعدادی از افعال از اسم صوتها ساخته شده‌اند.

مانند :جزّاندن (سوزاندن) ، شَراندن (پاره کردن ـ برای پاره کردن چیزهای نازک مثل کاغذ) ، قرتاندن (پاره کردن ـ برای پاره کردن چیزهای کلفت مانند طناب)

(پنج) افعال نسبتاً زیادی که با پسوند ān ـ صورتهای متعدی یا سببی می‌سازند و در فارسی نوشتاری و فارسی تهرانی کاربرد ندارند : مانند سوختاندن(سوزاندن) ، اِشکاندن(شکستن)

در زمینهٔ واژگان با دو دستهٔ کلی واژه روبرو هستیم : واژه‌های قدیم فارسی که در این گویش بکار می‌رود مانند غول qul(گود) ، مرجُمک marjomak (عدس) و رزمه razme (دسته).

و واژه‌های اصیل همدانی که مشابه آن در لهجه‌های مرکزی دیده می‌شود:خرّهxarre (لجن) سِرکو serku (هاون چوبی) ، مورچانه murčāne(مورچه) ، توش tus (نشانه).

همچنین در کنار این دو دسته کلی واژگان دیگری نیز به چشم می‌خورد مانند:

۱ـ واژه‌هایی که از لری گرفته شده مانند روله rule(فرزند) ، ویلان veilān(سرگردان)

۲ـ واژه‌هایی که از ترکی گرفته شده مانند قُل qol(بازو) قیش qeyš(کمربند)

۳ـ واژه‌هایی با ریشهٔ پهلوی مانند «وَش» به معنی جلا و درخشندگی از فعل وخشیدن به معنی درخشیدن .

بسیاری از واژه‌های همدانی با از بین رفتن مصداق آنها یا از بین رفته‌اند و یا در شرف نابودی هستند مانند سرکو(هاون چوبی یا سنگی) و بخش دیگر متروک شده‌اند و کاربردی ندارند مانند مرجُمک marjomak (عدس)

۱-۲-اوضاع جغرافیایی و تاریخی همدان

استان همدان با مساحتی برابر ۱۹۴۲۵ کیلومتر مربع جزء استانهای غربی ایران است طبق آمار مقدماتی سرشماری ۱۳۷۰ جمعیت استان به ۱۷۶۲۱۶۲ نفر رسیده است.(۲)

شهرستان همدان در طول درهٔ وسیعی که از دو طرف کوههای بلند و ارتفاعات الوند آن را محصور کرده است قرار دارد. این شهرستان از شمال به بیجار و زنجان و قزوین، از شرق به ساوه و تفرش، از جنوب به اراک، ملایر، تویسرکان و کرمانشاه و از مغرب به کرمانشاه سنقر و قروه محدود می‌شود.

ارتفاع آن از سطح دریا ۱۷۴۷ متر است مطابق آمار رسمی سازمان آمار ایران در سال ۶۵ جمعیت این شهر ۹۴۰۰۲۳ نفر بوده که به سبب رشد بی‌رویه مهاجرت از روستا به شهر این جمعیت در حال رشد سریع می‌باشد.

در استان همدان اقوام مختلف با فرهنگها، آداب و سنن، زبانها و گویش‌های مختلف دیده می‌شوند. ساکنین مرکز استان بیشتر به فارسی تکلم می‌کنند.

مناطق روستایی اطراف شهر همدان بخصوص شمال و غرب به ترکی و اغلب مناطق شمال غرب و غرب استان در مجاورت استانهای کرمانشاه و کردستان به زبان کردی و ساکنین ملایر، نهاوند و سامن به لهجه‌های لری یا لک صحبت می‌کنند.

۲-این رقم بطور رسمی از سوی سازمان آمار ایران منتشر نشده ولی در اختیار مؤلفین کتاب درسی جغرافیای استان قرار داده شده است.

جغرافیای تاریخی و وجه تسمیه همدان

بنای اولیّهٔ شهر همدان به نام اکباتان [1] را به دیااکو پادشاه ماد (حدود ۷۰۰ سال پیش از میلاد) نسبت می‌دهند. در این شهر دیااکو قصری بنا نهاد که به سبب داشتن نزدیک به ۱۰۰۰ اتاق این شهر را هنگمتان (محل اجتماع) یا هگمتانه یا اکباتان می‌خواندند.

در کتیبهٔ تیکلات پالاسر اول پادشاه آشور (۱۱ قرن قبل از میلاد) نام همدان، آنادانا یا همدانا نوشته شده است. هم‌اکنون کاوشگران در تپه‌های موسوم به اکباتان در حال حفاری این قصر می‌باشند.

در سال ۲۳ هجری همدان از سوی عربها تصرف شد. در قرن ۶ هجری سلجوقیان مرکز خود را از بغداد به همدان منتقل کردند. در قرن ۷ هجری با حمله مغولها شهر ویران گردیده ولی سپس از سوی آنان آباد گشت و مراکز تاریخی فعلی شهر حاکی از رونق این شهر در دورهٔ مغولها می‌باشد.

در قرن ۱۱ از سوی دولت صفویه مرکز اقامت هیأتهای مذهبی کاتولیک قرار گرفت. بعد از انقراض صفویه مورد تصرف عثمانیها قرار گرفت و سپس به دست نادرشاه افشار رهانیده شد.

شهر همدان به علت واقع بودن بر سر راههای اصلی منطقهٔ غرب ایران در قرون اخیر همواره از نظر بازرگانی مورد توجه بوده است.[۴]

۳- صورت فارسی باستان Ha^{m}gmatana می‌باشد که از پیشوند هم - Ham و صفت مفعولی - gmata و پسوند مکان ساز ana تشکیل شده است و در یونانی اکباتان شده است.

۴- دبیران جغرافیای استان همدان ص‌ص ۱۴-۱.

۱-۳-روش گردآوری مواد تحقیق

تاکنون کاری با دید زبانشناسی بر روی گویش همدانی صورت نگرفته است. کارهای انجام شده محدود به یک واژه‌نامه است که دارای نواقص زیادی می‌باشد همچنین مجموعه‌ای از اشعار و متل‌های همدانی که منابع آنها در بخش کتابنامه معرفی شده است.

از آنجائیکه مدت زیادی در همدان زندگی کرده‌ام با همدانی آشنایی نسبتاً کاملی پیدا کرده‌ام. لذا پیکرهٔ زبانی را با توجه به این شناخت قبلی تهیه کردم. اما لازم بود برای بررسی کامل‌تر و دقیق‌تر پرسشنامه‌هایی تهیه کنم و در اختیار گویشوران منتخب قرار دهم.

چهار چوب اصلی کار براساس پژوهشهای گویش‌شناسی معتبر گذشته می‌باشد و اطلاعات مورد نیاز با توجه به کارهای انجام شده به صورت سؤالهایی در پرسشنامه گنجانده شد، سپس اطلاعات خواسته شده در پرسشنامه را بطور مستقیم از طریق مصاحبه و یا بطور غیرمستقیم از نوار از گویشوران مذکور کسب کردم و با دقت آوانویسی نمودم.

گویشوران مورد مصاحبه بیشتر افراد بیسواد و کم‌سواد همدانی بوده‌اند علت انتخاب این طبقه از گویشوران این است که افراد تحصیل کرده غالباً سعی می‌کنند زبان خود را به گونهٔ تهرانی نزدیک کنند.

در بخش آوایی برای استخراج واجها ازروش معمول جانشینی استفاده شده است و حتی المقدور واجها را در سه موضع آغازی، میانی و پایانی بررسی کرده، در عین حال واجهایی که محل تولید یکسان و یا نزدیک به‌هم دارند و یا واجهایی که نحوهٔ تولید یکسانی دارند باهم به صورت زوجهای کمینه مقایسه کرده‌ام.

فصل دوم : دستگاه آوایی

۱ـ صامتها

گویش همدانی بیست و سه صامت دارد که در سه موضع آغازی ، میانی و پایانی واقع می‌شوند.

در زیر فهرست این صامتها به همراه نمونه‌هایی از آنها در سه موضع یاد شده ارائه می‌شود:

۱.	/b/	در	[beve]= بچه شیرخواره	[?abs][1]=اسب	[dalb]=دلو
۲.	/p/	در	[porsoq] = گورکن	[kapš]= کفش	[lop]= گونه
۳.	/t/	در	[tālān] = غارت	[potk]= پتک	[šut]= سوت
۴.	/d/	در	[dāyeze]= خاله دختر دایی	[xedr]= خِضْرخضر	[jud]= یهودی
۵.	/j/	در	[jār] = سخت و سفت	[ajr]=اجر	[tej]= تفاله‌انگوربعدازسرکه گیری
۶.	/č/	در	[čuq]= چوب	[tāyče][2]= لنگهٔ بار *	[luč]= چپ چشم
۷.	/k/	در	[koxe] = سرفه	[suks] = سوسک	[došak]= تشک
۸.	/g/	در	[gappe] = چاق و تنبل	[dogm]=اخمو	[delang]= هیکل بی‌عار
۹.	/x/	در	[xazzi]= ولگرد	[baxš]= سهم ، قسمت	[bix]= ته
۱۰.	/q/	در	[qol] = بازو	[moqr] = مرغ	[zoluq]= ذوق
۱۱.	/z/	در	[zeq] = زه آب	[vazm]= پارو	[meraz]= بیماری

۱ـ b میانی یا در پایان هجای اول و یا شروع هجا دوم یافت می‌شود مگر آن مورد بالا که نتیجهٔ قلب در همدانی می‌باشد.

۲ـ واج موردنظر درموضع میانی واژه می باشد .

۱۲. /s/	در	[saqəu]= یخ زدن	[ʔask]= عکس	[las]= بی حس
۱۳. /š/	در	[šax] = راست و مستقیم	[pešk]= قرعه	[qeyš]= کمربند
۱۴. /ž/	در	[žele]= ژله	[qožme]= بی‌ریخت (۳) *	[qež]= درهم‌وژولیده
۱۵. /h/	در	[hal]= له‌شده، چشم چران	[ʕahl]= آسان	[deleh]= شکمو
۱۶. /ʔ/	در	[ʔeske]= عطسه	[naʔl]=نعل	[ʔməuzu]= موضوع
۱۷. /f/	در	[firik]= مرغ یکساله	[bafr]= برف	[ʔalof] = علف
۱۸. /v/	در	[vejje]= وجب	[meviz]= کشمش درشت (۴) *	[dalv] = سطل چاه
۱۹. /r/	در	[ʁāq](۴)= متحیر، راست و مستقیم	[ʔars]= عصر	[sur] = مهمانی
۲۰. /l/	در	[laš]= لاشه	[dalv] = سطل چاه	[zel] = مدفوع
۲۱. /m/	در	[məu]= مو	[ʔəmr]= عمر	[lam] = شل وبی‌حال
۲۲. /n/	در	[narin]= نرم	[ʔank]= سوسک	[nəudan] = ناودان
۲۳. /y/	در	[yoqor]= قوی هیکل	[veyl]= سرگردان	[vey] = چرا

۳ـ واج مورد نظر درموضع میانی واژه می باشد.

۴ـ واج مورد نظر درموضع میانی واژه می باشد

آن تعداد از صامتهای یاد شده که با توجه به جفتهای کمینه بدست آمده یک واج محسوب می‌شوند، عبارتند از:

۱. انسدادیهای دولبی

/b/ در [bal] = آویخته و پهن و /p/ در [pal] = پر

/b/ در [bis] = بیست و /p/ در [pis] = کثیف

۲. انسدادیهای لثوی ـ دندانی

/d/ در [dās] = داس و /t/ در [tās] = لگن کوچک

/d/ در [dālān]= راهرو و /t/ در [tālān] = غارت

۳. انسدادیهای نرمکامی

/g/ در [ger] = چرخش و /k/ در [ker] = خراش

/g/ در [gas] = شاید و /k/ در [kas] = کَس

۴. انسدادیهای سایشی ـ لثوی کامی

/j/ در [juq] = جوی و /č/ در [čuq] = چوب

/j/ در [jəu] = جو و /č/ در [čəu] = هو، شایعه

۵. سایشیهای دندانی ـ لثوی

/z/ در [zer] = حرف بی‌ربط و /s/ در [ser] = بی‌حال

/z/ در [zoq] = درداندام‌دراثرسرمای شدید و /s/ در [soq] = ریشهٔ سقاندن‌به‌معنی‌به زورجا دادن

۶. انسدادی ملازی و سایشی ملازی

/q/ در [qer] = اذیت و /x/ در [xer] = گلو ،ماهر

/q/ در [qol] = دست ، بازو و /x/ در [xol] = کج

۷. کناری و غلتان لثوی

/r/ در [rās] = راست و /l/ در [lās] = آدم شل ، سرگین‌گاو

/r/ در [ram] = سرکشی و /l/ در [lam] = تنبل

۸. خیشومیهای دولبی و دندانی لثوی

/m/ در [meq] = مک زدن و /n/ در [neq] = بهانه‌گیری

/m/ در [mal] = نرم و /n/ در /nal/ = نعل

۹. سایشیهای لثوی کامی

/š/در [šen] = شن و /ž/ در [žen] = ژن

سایر واجها که در تقابل با هم یا به تنهایی توصیف مخصوصی دارند عبارتند از:

۱. صامت سایشی لثوی کامی

/ž/ در این گویش گاهی به صورت /j/ تلفظ می‌شود.

?ājir	آژیر	?āžir
jāket	ژاکت	žākat

در مواردی عکس مورد بالا نیز دیده می‌شود.

veye(veže)	وجب	vajab
?āž	آج	?āj
možri	مجری	mojri

این واج چه بصورت [ž] و چه [j] می‌تواند در تقابل با بعضی واجها قرار گیرد:

jen	جن	žen	ژن
čāle	چاله	jāle(žāle)	ژاله
čin	چین	jin	جین

۲. صامت انسدادی چاکنایی

/ʔ/این صامت بجز در موضع آغازی، در دیگر جایگاهها یا حذف می‌شود و یا y جایگزین آن می‌شود:

الف ـ حذف همزه همراه با کشش واکهٔ قبل

ma:n	man?
da:fe	daf?e

ب ـ حذف همزه و جانشینی y

bāyes	bā?es
dāym	dā?em

۳. صامتهای سایشی لب و دندانی

بسیاری از /f/های فارسی نوشتاری دراین‌گویش به /v/ بدل می‌شوند:[۵]

nesv	nesf
hevda	hefdah

با توجه به زوجهای کمینه زیر می‌توان دریافت که /f/ و /v/ در مقابل با دیگر واجها، واج محسوب می‌شوند.

/f/ در [fəuri] = فوراً و /d/ در [dəuri] = بشقاب

/f/ در [fāš] = آشکار و /d/ در [dāš] = کورهٔ نانوایی

۵–این حالت در موضع میانی و پایانی صادق است.